

ساختار فیلم براساس سه نقطه بحران پی ریزی شده است. سه شخصیت که مثلثی ارتباطی را تشکیل می دهند و تمام وقایع پیامد پیکار دوری و برونی این سه است. نخستین فردی که با او مواجهیم، زنی جوان با پوشش محلی جنوبی و سیمایی بومی و جذاب که به ویرانه های باقیمانده از جنگی هولناک بازگشته، خانه خویش را می جوید در نخستین گامها در آن بیابان یکدست دوروبان فرمز موازی طولانی می بیند که جاده یی را برای او مشخص کرده اند و او بی اختیار گام در آن جاده می گذارد. این نخستین مواجهه بیننده با نمادی است که نام فیلم از آن گرفته شده است. بی درنگ از خویش می پرسیم که این نماد یا ما چه سخنی دارد؟ آیا این همان خط فرمز نیست که در عرف و قانون جامعه جاری است و برای حرکتهای فکری و کرداری انسان حدود تعیین می کند؟ و آیا این همان راهی نیست که هر انسان به مقتضای محل تولد و محیط اجتماعی اش با اجبارهای مخصوص آن روبرو می شود؟ به تعبیر «اوربانا فالاجی» در این لانه مورچه از راهی خبری نیست و هیچکس نمی تواند از قوانین سیاه آن بگریزد. اما مجبور به تسلیم نمی شود. در فرجام فیلم روباتها را برمی چسبند و به این گونه پیروزی خود را به ارزشهای قراردادی و اعتباری اعلام می کند. دومین فرد داوود است. با سیمایی بیابانی که خشونت صحرایی در آن هویداست. او بازمانده پیکار گرانی است که کالبد خاکی وناهنده اند و از این رو سرشار از «گناه بازماندگی» است. لحظات ناگوار را تجربه کرده است که در هر نشخوار ذهنی همراه موجی از اضطراب و تشویش به سوی او می آیند و وی را غرق در بیقراری می سازند. او با ظاهری مقدس مآب و کرداری برخاسته از خشونت تقدس (و نه تقدس خشونت) مرام لاک پشت وار دارد. نمادی که پیوسته همراه اوست. حیوانی با زرهی سنگین و حرکتی کند و این بیانگر سلوک زاهدانه است. دست یازیدن به آیینهای قشری و خشک شریعت برای پناه دادن خویش و طی طریق به کندی از بیم انحراف، کشتن جسارت و شهامت آزمون و خطا، محدودیت اندیشه و تجربه و...



تحلیلی روانشناختی بر فیلم روبان فرمز ساخته ابراهیم حاتمى کيا

از آن دین به دنیا فروشان مباش

اما در مورد جمعه همیشه سگ در قلابه نیست وقتی محبوبه ناگهانی وارد گورستان تانگها می شود و به خانه جمعه نزدیک می شود، سگ یورش می آورد. عزیزه مردانه مست شمیم زانه می شود و به سوی درآمیختن با آن پیش می رود که ناگاه جمعه به خویش می آید و سگ را مهار می کند اما با این تهدید که اگر دوباره بیاید دیگر توان مهار ندارد و سگ با او گلاویز خواهد شد! اما براستی نماد همیشه حاضر تانک بیانگر چیست؟ وپرائی، تخریب، جنگ و مرگ اما جالب آن است که محبوبه درون این نماد مرگ آفرین به زندگانی می پردازد و در پایان فیلم همین وسیله جنگ و مرگ و تخریب، خودرو عروسی می شود! این نمره تضادورزی حیات است. همانطور که در فلسفه هگل نیز می بینیم هر تزی، آنتی تری دارد و در فرآیند سنتز هر چیز ضد خود را می زاید. و تخریب الهی من المیت و تخرج المیت من الهی (آیه بیست و

«سارعا» آید مر او را در خطاب یا پای در طریقت گذاشته، با دیدی فراسوی شریعت به مرزبندیهای گناه و مباح می نگرد؟ در این جاست که محبوبه وضع حمل نمادین دارد، فرزندش را که با زبانش است، به روی مین می اندازد و صدای انفجار برمی خیزد و او سبکبار دوباره وارد صحنه می شود. این راهی کامل از وابستگی به غیر معشوق است. عارفان گفته اند که: نجی المخبفون سبکیار رستگار شدند. و یا: نخففو تلتقوا سبکبار شوید تا به کاروان بپیوندید. کاندزین سوسن آزاده ام آمد به گوش از دین دیر کهن حال سبکیاران خوش است پس از این سبکیار و تنها بهانه موجه گریز از ارتباط، به سوی داوود و جمعه می شتابد و آنها را، آشکارتر از پیش به عشقی مثلثی فرامی خواند که برآیند نیروهای مغناطیسی جاذبه و دافعه سه رأس مثلث، بردارهای ناهمگنی است. بر روی همین مینها تنگنک داوود نیز متفجر می شود و زبان خشونت فیزیکی او از بین می رود و بدین سان او نیز در این مثلث اعلام حضور می کند. اگرچه بعد، پای چپ او زخمی می شود و ناتوانی در شتابان طی طریق کردن مشهود می گردد. اما پای راستش که بنیادین است، در این سلوک همراهیش می کند هر چند کند. او نبرد با خویشتن را از آغاز فیلم شروع کرده است. هنگامی که محبوبه در تانک زندانی شده بود، بارها می رود و باز می گردد. نوعی دوسوگرایی عاطفی و تعارض روانش را می آزرده. پایگاههای روانی او نهاد و «بن» که ریشه در غریزه های حیاتی دارد، «من» که ریشه در واقعیت دارد و «فراسن» که ریشه در نظام ارزشهای اخلاقی دارد، در ستیز و تنشند و باید به سوی تعادل پیش روند. این تعادل جویی هنگامی کشته با جمعه بروز می یابد. آنان بر زمین و در خاک می غلتند و به گونه یی نمادین و کنایه اشاره می کنند که ماجرای عاشقانه ایشان زمینی شده است. «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرای ایه پنججاه و پنج سوره» شما آنکه مردن پیش او شد فتح باب

شماره ۵۰ موتور گازی

مشخصات فنی

قوای محرکه	۵۰ سی سی، دو زمانه
حجم سیلندر	۲۹ سی سی
دخان قدرت	۲/۳ اسب بخار
نسبت تورکم	۸/۵ - ۱
نوع فیلتراسیون	تورکمیک - نور متغیر
سیستم روشن کننده	نیروی رکاب
سیستم جرقه	CDI
سیستم ترمزها	کاسه ای
سیستم کمک فرمان	هیدرولیک تلسکوپی
ظرفیت باک	۳/۷ لیتر
وزن خلاص	۲۲ کیلوگرم

نامیادگان شهرستان

شیراز	۳۷۶۶۱
شوشتر	۳۸۶۲
شهرضا	۳۹۶۱
شاهان	۳۹۶۲
شاهویه	۳۹۶۳
شیروان	۳۹۶۴
شهرکوه	۳۹۶۵
محمد اسدالله نوری	۳۹۶۶
محمد ورجان	۳۹۶۷
محمد ورجان	۳۹۶۸
محمد ورجان	۳۹۶۹
محمد ورجان	۳۹۷۰
محمد ورجان	۳۹۷۱
محمد ورجان	۳۹۷۲
محمد ورجان	۳۹۷۳
محمد ورجان	۳۹۷۴
محمد ورجان	۳۹۷۵
محمد ورجان	۳۹۷۶
محمد ورجان	۳۹۷۷
محمد ورجان	۳۹۷۸
محمد ورجان	۳۹۷۹
محمد ورجان	۳۹۸۰
محمد ورجان	۳۹۸۱
محمد ورجان	۳۹۸۲
محمد ورجان	۳۹۸۳
محمد ورجان	۳۹۸۴
محمد ورجان	۳۹۸۵
محمد ورجان	۳۹۸۶
محمد ورجان	۳۹۸۷
محمد ورجان	۳۹۸۸
محمد ورجان	۳۹۸۹
محمد ورجان	۳۹۹۰
محمد ورجان	۳۹۹۱
محمد ورجان	۳۹۹۲
محمد ورجان	۳۹۹۳
محمد ورجان	۳۹۹۴
محمد ورجان	۳۹۹۵
محمد ورجان	۳۹۹۶
محمد ورجان	۳۹۹۷
محمد ورجان	۳۹۹۸
محمد ورجان	۳۹۹۹
محمد ورجان	۴۰۰۰

نامیادگان شهرستان

شیراز	۳۷۶۶۱
شوشتر	۳۸۶۲
شهرضا	۳۹۶۱
شاهان	۳۹۶۲
شاهویه	۳۹۶۳
شیروان	۳۹۶۴
شهرکوه	۳۹۶۵
محمد اسدالله نوری	۳۹۶۶
محمد ورجان	۳۹۶۷
محمد ورجان	۳۹۶۸
محمد ورجان	۳۹۶۹
محمد ورجان	۳۹۷۰
محمد ورجان	۳۹۷۱
محمد ورجان	۳۹۷۲
محمد ورجان	۳۹۷۳
محمد ورجان	۳۹۷۴
محمد ورجان	۳۹۷۵
محمد ورجان	۳۹۷۶
محمد ورجان	۳۹۷۷
محمد ورجان	۳۹۷۸
محمد ورجان	۳۹۷۹
محمد ورجان	۳۹۸۰
محمد ورجان	۳۹۸۱
محمد ورجان	۳۹۸۲
محمد ورجان	۳۹۸۳
محمد ورجان	۳۹۸۴
محمد ورجان	۳۹۸۵
محمد ورجان	۳۹۸۶
محمد ورجان	۳۹۸۷
محمد ورجان	۳۹۸۸
محمد ورجان	۳۹۸۹
محمد ورجان	۳۹۹۰
محمد ورجان	۳۹۹۱
محمد ورجان	۳۹۹۲
محمد ورجان	۳۹۹۳
محمد ورجان	۳۹۹۴
محمد ورجان	۳۹۹۵
محمد ورجان	۳۹۹۶
محمد ورجان	۳۹۹۷
محمد ورجان	۳۹۹۸
محمد ورجان	۳۹۹۹
محمد ورجان	۴۰۰۰

نامیادگان شهرستان

شیراز	۳۷۶۶۱
شوشتر	۳۸۶۲
شهرضا	۳۹۶۱
شاهان	۳۹۶۲
شاهویه	۳۹۶۳
شیروان	۳۹۶۴
شهرکوه	۳۹۶۵
محمد اسدالله نوری	۳۹۶۶
محمد ورجان	۳۹۶۷
محمد ورجان	۳۹۶۸
محمد ورجان	۳۹۶۹
محمد ورجان	۳۹۷۰
محمد ورجان	۳۹۷۱
محمد ورجان	۳۹۷۲
محمد ورجان	۳۹۷۳
محمد ورجان	۳۹۷۴
محمد ورجان	۳۹۷۵
محمد ورجان	۳۹۷۶
محمد ورجان	۳۹۷۷
محمد ورجان	۳۹۷۸
محمد ورجان	۳۹۷۹
محمد ورجان	۳۹۸۰
محمد ورجان	۳۹۸۱
محمد ورجان	۳۹۸۲
محمد ورجان	۳۹۸۳
محمد ورجان	۳۹۸۴
محمد ورجان	۳۹۸۵
محمد ورجان	۳۹۸۶
محمد ورجان	۳۹۸۷
محمد ورجان	۳۹۸۸
محمد ورجان	۳۹۸۹
محمد ورجان	۳۹۹۰
محمد ورجان	۳۹۹۱
محمد ورجان	۳۹۹۲
محمد ورجان	۳۹۹۳
محمد ورجان	۳۹۹۴
محمد ورجان	۳۹۹۵
محمد ورجان	۳۹۹۶
محمد ورجان	۳۹۹۷
محمد ورجان	۳۹۹۸
محمد ورجان	۳۹۹۹
محمد ورجان	۴۰۰۰

تلفن دفتر فروش: ۶۷۰۰۵۸۰